

غزل شماره ۳۴۵

بی تو ای سروروان، با گل و گلشن چه کنم؟
زلفِ سنبل چه کشم عارضِ سوسن چه کنم؟

آه کز طعنه بدخواه ندیدم رویت
نیست چون آینه ام روی ز آهمن، چه کنم؟

برو ای ناصح و بردگشان خرده گیر
کار فرمای قدر می کند این، من چه کنم؟

برقِ غیرت چو چُنین می جَمَد از کَمَنِ غیب
تو بفرما که من سوخته خرم من چه کنم؟

شاهِ تُرکان چو پسندید و به چاهم انداخت
دستگیر ار شود لطفِ تهنّتن چه کنم؟

مددی گریه چراغی نکند آتشِ طور
چاره تیره شبِ وادی ایمن چه کنم؟

حافظا خلدِ برین خانه موروثِ من است
اندر این مترلِ ویرانه نشیمن چه کنم؟

تفسیر فال

از طعنه و زخم زبان مردم خسته شده‌اید و این موضوع به وضوح بر روحیه شما تأثیر گذاشته است. مدام از شما ایراد می‌گیرند، به طوری که گویی هیچ یک از تلاش‌ها و زحماتتان ارزش توجه را ندارند و در حقیقت، کسی قدر زحمتهای شما را نمی‌داند. اما اکنون زمان آن فرا رسیده است که هنرتان را بدون هیچ گونه تردیدی به نمایش بگذارید تا آنهایی که رقیب و حسود هستند، با شکست مواجه شوند. بلند شوید و لباس رزم بر تن کنید؛ زیرا پیروزی فقط متعلق به کسانی است که با تمام وجود برای رسیدن به هدف‌هایشان مبارزه می‌کنند. باید شکست ناپذیر باشید تا بتوانید ویرانه‌ی دلتان را آباد نمائید و مجدداً بر روی پاهای خود بایستید. تنها در این صورت است که خواهید توانست به آرزوهایتان دست یابید، آرزوهایی که شاید مدت‌هاست در دل نهفته‌اند و حالا زمان تحقق آنها فرامی‌رسد. پس با قاطعیت قدم بردارید و اجازه ندهید موانع شما را متوقف کنند؛ زیرا موفقیت منتظر کسانی است که شجاعت ادامه دادن دارند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)